



Studies on Israel - US

Vol 25. No 2. Summer 2024

Received date: 2024.04.20

Acceptance date: 2024.05.26



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

The Strategy of the Washington Think Tank for the Near East Policy Towards the Policies of the Gray Area of the Islamic Republic of Iran

Bahador Nokandeh¹, Amir Houshang Mirkoushesh², Mohammad Fazel Sadri³



Abstract

Think tanks are scientific centers that connect the field of opinion with practice. The United States of America is one of the countries that uses think tanks to formulate its foreign policy. The method of using these think tanks in this country is that either it uses individuals and researchers as the heads of the departments or researchers of the think tanks are present as witnesses in the Senate. One of the most important think tanks effective in American foreign policy is the Washington Think Tank for Near East Policy. This think tank operates in the Near East and focuses its research on the Islamic Republic of Iran. One of the important issues that this think tank has been paying attention to in the past years is the issue of the gray politics of the Islamic Republic of Iran in the Middle East. The current research seeks to answer the question of what is the proposed strategy of the Washington think tank to the US foreign policy regarding the gray zone policy of the Islamic Republic of Iran and how is this strategy written based on the theoretical framework of rational decision making. For this reason, this research has calculated the most important components with the method of content analysis and using the Max Quda software and answers the research questions. It seems that psychological warfare and covert operations are recognized as the most important strategy of the United States against Iran's gray politics. This strategy includes civilian and psychological measures to change the operational environment of Iran and its allies and plays a central role in countering Iran's influence. Strengthening deterrence is also used as a vital strategy to complement psychological warfare in order to limit Iran's freedom of action through threats and punishments.

Keywords: Washington Think Tank Strategy, Gray Zone Policy, Islamic Republic of Iran, America, Deterrence.

1 - PhD student of International Relations, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Shahroud Branch, Semnan, Iran.

2 - PhD in International Relations, member of the academic staff of the Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Shahroud Branch, Semnan, Iran.

3 - PhD in International Relations, member of the academic staff of the Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Shahroud Branch, Semnan, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

راهبرد اندیشکده واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک در قبال سیاست‌های منطقه خاکستری جمهوری اسلامی ایران

بهادر نوکنده^۱، امیرهوشنگ میرکوشش^۲، محمدفاضل صدیقی^۳



چکیده

اندیشکده‌ها به‌عنوان مراکز علمی هستند که پیونددهنده حوزه نظر با عمل می‌باشند. ایالات متحده آمریکا به‌عنوان یکی از کشورهایی می‌باشد که از اندیشکده‌ها برای تدوین سیاست خارجی خود استفاده می‌کند. روش استفاده از این اندیشکده‌ها در این کشور به این صورت است که یا از افراد و پژوهشگران به‌عنوان مسئولین بخش‌ها استفاده می‌کند یا پژوهشگران اندیشکده‌ها به‌عنوان شاهد در مجلس سنا حضور دارند. یکی از مهم‌ترین اندیشکده‌های موثر در سیاست خارجی آمریکا اندیشکده واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک می‌باشد. این اندیشکده در حوزه خاورمیانه فعالیت دارد و تحقیقات خود را در زمینه جمهوری اسلامی ایران سوق می‌دهد. یکی از موضوعات مهمی که این اندیشکده در سال‌های گذشته به آن اهمیت می‌دهد، موضوع سیاست خاکستری جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه می‌باشد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که راهبرد پیشنهادی اندیشکده واشینگتن به سیاست خارجی آمریکا در قبال سیاست منطقه خاکستری جمهوری اسلامی ایران چه می‌باشد و این راهبرد بر اساس چارچوب نظری تصمیم‌گیری عقلایی چگونه نگارش می‌شود. به همین جهت این پژوهش با روش تحلیل مضمون و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا مهم‌ترین مولفه‌ها را احصا نموده و به پاسخ سوالات پژوهش می‌پردازد. به نظر می‌رسد جنگ روانی و عملیات مخفی «به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد آمریکا در قبال سیاست خاکستری ایران شناسایی می‌شود. این راهبرد شامل اقدامات غیر نظامی و روانی برای تغییر محیط عملیاتی ایران و متحدان آن است و نقش محوری در مقابله با نفوذ ایران ایفا می‌کند. تقویت بازدارندگی نیز به‌عنوان یک راهبرد حیاتی مکمل جنگ روانی، به منظور محدود کردن آزادی عمل ایران از طریق تهدیدها و تنبیه‌ها به کار گرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: راهبرد اندیشکده واشینگتن، سیاست منطقه خاکستری، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، بازدارندگی.

- ۱ - دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.
- ۲ - دکترای تخصصی روابط بین‌الملل، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.
- ۳ - دکترای تخصصی روابط بین‌الملل، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.

مقدمه

سیاست‌های منطقه خاکستری ایران و واکنش ایالات متحده به این سیاست‌ها یکی از موضوعات مهم و محوری در حوزه امنیت و روابط بین‌الملل، به‌ویژه در خاورمیانه، به شمار می‌رود. مفهوم «منطقه خاکستری» به فضایی اطلاق می‌شود که دولت‌ها از ابزارهای غیر مستقیم و پنهان برای پیگیری منافع خود بهره می‌گیرند، بدون آنکه به درگیری‌های آشکار یا جنگ‌های تمام عیار منجر شود. این استراتژی به ایران امکان داده است تا نفوذ خود را در منطقه افزایش داده و فشارهای خارجی، به‌ویژه از سوی ایالات متحده، را مدیریت کند (Jordan, 2021). یکی از عناصر کلیدی در تحلیل این سیاست‌ها، درس‌های آموخته شده از جنگ ایران و عراق است. تجربه این جنگ، که پیامدهای سنگینی برای ایران به همراه داشت، سبب شد تا جمهوری اسلامی به جای تکیه بر جنگ‌های متعارف، به دنبال استراتژی‌های غیر متعارف و نیابتی باشد (Chubin, 2001). این استراتژی به ایران اجازه داده تا بدون مواجهه مستقیم با قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده، به اهداف استراتژیک خود در کشورهای منطقه مانند لبنان، عراق و سوریه دست یابد. نقش نیروهای نیابتی در پیشبرد این سیاست‌ها بسیار برجسته است و به ایران این امکان را داده که با کمترین هزینه‌های نظامی، دامنه نفوذ خود را گسترش دهد (Lim, 2015). نیروهای نیابتی به ایران اجازه می‌دهند تا با انجام عملیات‌های پنهان و نامتقارن، دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی خود را به چالش بکشد و همزمان از جنگ مستقیم اجتناب کند. از سوی دیگر، واکنش ایالات متحده به این سیاست‌های منطقه خاکستری نیز همواره مورد توجه بوده است. پس از خروج آمریکا از برجام، استراتژی فشار حداکثری علیه ایران توسط دولت ایالات متحده اتخاذ شد که بر مهار نفوذ منطقه‌ای و محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران تمرکز داشت (Pompeo, 2018). اندیشکده واشینگتن در مطالعات متعدد خود، ابزارهای مختلفی از جمله تحریم‌های اقتصادی، عملیات‌های اطلاعاتی و همکاری‌های منطقه‌ای را به‌عنوان مؤثرترین روش‌ها برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای ایران معرفی کرده است. بر اساس این تحقیقات، تقویت بازدارندگی نظامی و اطلاعاتی از طریق همکاری با کشورهای هم‌پیمان، از جمله مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی ایالات متحده برای مقابله با نفوذ ایران است (Eisenstadt, 2016). در مجموع، پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که سیاست‌های منطقه خاکستری ایران و واکنش ایالات متحده به آنها، از جمله مهم‌ترین چالش‌های امنیتی خاورمیانه محسوب می‌شوند. این سیاست‌ها از یک سو ایران را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در موقعیت نفوذ گسترده قرار می‌دهد و از سوی دیگر ایالات متحده را وادار به تدوین و اجرای راهبردهای چند

جانبه برای محدود کردن این نفوذ می‌کند. بر اساس این مقدمه و پیشینه، پژوهش حاضر به دنبال این است که راهبرد ایالات متحده در قبال سیاست منطقه خاکستری جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشکده واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک باید چگونه باشد و اینکه این راهبردها بر اساس چه چارچوب نظری‌ای نگارش شده‌اند؟

روش تحقیق

این پژوهش به‌عنوان یک مطالعه کیفی از روش تحلیل محتوا بهره می‌گیرد. در این تحقیق از رویکرد تحلیل محتوای براون و کلارک استفاده شده که شامل شش مرحله به شرح زیر است: ۱- آشنایی با داده‌های جمع‌آوری شده، ۲- استخراج کدهای اولیه، ۳- جستجوی مضامین و الگوها، ۴- بازنگری و اصلاح مضامین و الگوها، ۵- تعریف و نام‌گذاری مضامین، ۶- ارائه نتایج (7: Corbin, 2014). داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار MAXQDA2018 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های این تحلیل بر اساس الگوی تحلیل کیفی کوربین و استراوس به صورت کدگذاری باز (استخراج کدهای اولیه) و کدگذاری محوری (استخراج مؤلفه‌ها و مضامین و برقراری ارتباط بین کدها و مؤلفه‌ها) ارائه شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های گزارش‌های راهبرد اندیشکده واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک در قبال سیاست‌های منطقه خاکستری جمهوری اسلامی ایران در دو مرحله کدگذاری باز و محوری در جداول مرتبط ارائه شده‌اند. در نهایت، نتایج تحلیل مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از روش تحقیق پژوهش توضیح داده می‌شود که چگونه این راهبردها بر اساس تصمیم‌گیری عقلانی تدوین شده‌اند. تحلیل محتوای کیفی به‌عنوان روشی مناسب برای مطالعه مسائل پیچیده‌ای مانند سیاست‌های منطقه خاکستری ایران انتخاب شده است، زیرا این روش به بررسی عمقی و جزئی داده‌های متنی می‌پردازد و به خوانندگان اجازه می‌دهد تا به لایه‌های معنایی پنهان درون محتوای مورد مطالعه دست یابد. در این تحقیق، هدف اصلی تحلیل استراتژی‌های پیچیده و چند لایه ایالات متحده در مقابله با سیاست‌های منطقه خاکستری ایران است، که نیازمند روشی انعطاف‌پذیر و مبتنی بر متن است. به طور خلاصه، تحلیل محتوای کیفی به دلیل انعطاف‌پذیری، توانایی در تحلیل داده‌های توصیفی و مناسب بودن برای مسائل پیچیده، به‌عنوان بهترین روش برای پاسخ به سوالات این تحقیق انتخاب شده است.

چارچوب نظری

در دهه ۱۹۵۰ و با آغاز جنگ سرد، نظریه انتخاب عقلایی به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای تحلیل رفتار دولت‌ها در سیاست خارجی مطرح شد. این نظریه که ریشه در اقتصاد دارد، بر این فرض استوار است که دولت‌ها همانند افراد در بازار به دنبال بیشینه‌سازی منافع خود هستند. نظریه انتخاب عقلایی فرض می‌کند که دولت‌ها با انجام محاسبات دقیق هزینه و فایده، تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کنند که بیشترین سود را برای آنها به همراه داشته باشد. این دیدگاه بر اساس مدل «انسان اقتصادی» بنا شده است و در آثار محققانی همچون آلیسون و زلیکو بررسی شده و به طور مفصل توسط مایلز و کاهلر تحلیل شده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۷۱). استفان فیشر، نظریه انتخاب عقلایی را به‌عنوان تلاشی برای کشف قوانین کلی حاکم بر رفتار انسان در جامعه معرفی کرده است. این نظریه بر این باور است که رفتار افراد در نهایت به تعادلی می‌رسد که در آن هیچ فردی تمایلی به تغییر رفتار خود ندارد. تعادل مذکور زمانی حاصل می‌شود که هر فرد به طور مستقل در پی حداکثر کردن منافع شخصی خود باشد (کوچک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۹). مدل عقلایی در تحلیل تصمیم‌گیری‌ها به بررسی دقیق هزینه‌ها و فواید انتخاب‌ها و اقدامات می‌پردازد. در این چارچوب، تصمیم‌گیرنده تلاش می‌کند با محاسبه دقیق این هزینه‌ها و فواید، بهترین گزینه را برای دستیابی به اهداف خود برگزیند (Camerer & Weber, 2013). این مدل از چند مؤلفه کلیدی تشکیل شده است:

۱- تعریف هزینه‌ها و فواید:

هزینه‌ها شامل تمامی هزینه‌های مالی، زمانی، اجتماعی و سیاسی مرتبط با یک تصمیم هستند. این هزینه‌ها ممکن است به صورت مستقیم (مثل هزینه‌های مالی) یا غیر مستقیم (مثل تأثیرات اجتماعی) ظاهر شوند (Shafir, 2019). فواید نیز مزایای حاصل از یک تصمیم‌گیری است که می‌تواند در افزایش امنیت، بهبود روابط بین‌المللی، رشد اقتصادی و تقویت قدرت نرم تجلی یابد (Bennett, 2016).

۲- تحلیل هزینه و فایده در مدل عقلایی: در این گام، هزینه‌ها و فواید تصمیم مورد تحلیل قرار می‌گیرند:

- هزینه‌های مالی: بودجه لازم برای اجرای تصمیمات.
- هزینه‌های زمانی: مدت زمان مورد نیاز برای پیاده‌سازی تصمیم.
- هزینه‌های اجتماعی: تأثیرات منفی تصمیم بر جامعه یا گروه‌های خاص.
- هزینه‌های سیاسی: پیامدهای منفی سیاسی و دیپلماتیک (Elster, 2007).

از سوی دیگر، فواید تصمیم شامل مواردی همچون:

- افزایش قدرت ملی: تقویت جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی.
- بهبود امنیت: کاهش تهدیدات امنیتی.
- تأثیر مثبت بر روابط بین‌الملل: بهبود روابط دیپلماتیک و همکاری‌های بین‌المللی.
- افزایش اعتبار: تقویت تصویر کشور در جهان (Jervis, 1999).

۳- مقایسه هزینه‌ها و فواید: در این مرحله، هزینه‌ها و فواید شناسایی شده با هم مقایسه می‌شوند تا مشخص شود آیا فواید به دست آمده از تصمیم، ارزش هزینه‌های آن را دارد یا خیر (Weber, 2017). به‌عنوان مثال، در شرایطی که منافع ملی تحت تهدید قرار می‌گیرد، تصمیم‌گیرندگان ممکن است تصمیمات خود را بر اساس اهمیت امنیت ملی بازبینی کنند (Friedman, 2009).

۴- پذیرش هزینه‌ها بر اساس فواید: پذیرش هزینه‌ها زمانی منطقی است که فواید حاصل از تصمیم به طور قابل توجهی از هزینه‌های آن بیشتر باشد. برای مثال، اگر یک کشور برای ایجاد یک ائتلاف نظامی تصمیم به پرداخت هزینه‌های اولیه بالا بگیرد اما منافع بلند مدت در زمینه امنیت بیشتر باشد، پذیرش این هزینه‌ها منطقی خواهد بود (Tullock, 1981). همچنین، در صورتی که فواید بلند مدت به بهبود وضعیت سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی منجر شوند، این تصمیم‌ها قابل پذیرش خواهند بود (North, 1990). همچنین، امکان بهبود در شرایط آینده نیز می‌تواند عاملی باشد که هزینه‌های فعلی را توجیه کند (Ostrom, 2005).

این چارچوب نظری به دلیل قدرت آن در تحلیل تصمیم‌گیری‌های اندیشکده مورد نظر در عرصه سیاست خارجی انتخاب شده است. مدل عقلایی با تمرکز بر محاسبات دقیق هزینه و فایده، به‌ویژه در موقعیت‌های پیچیده بین‌المللی، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا انتخاب‌های بهینه‌ای داشته باشند. از سوی دیگر، این چارچوب می‌تواند با تحلیل روابط بین‌الملل و شناسایی مزایا و معایب تصمیمات مختلف، به تبیین رفتار دولت‌ها و نحوه تعامل آنها در محیط جهانی پردازد. در نتیجه، این چارچوب نه تنها به تحلیل تصمیم‌گیری‌های کلان دولت‌ها کمک می‌کند، بلکه به درک بهتر از پویایی‌های قدرت و امنیت نیز یاری می‌رساند.

یافته‌ها

نقش اندیشکده‌ها در سیاست خارجی آمریکا

سیستم سیاسی ایالات متحده به‌ویژه برای ورودی ایده‌ها و پیشنهادات سیاستی خارج از فرایند رسمی سیاست‌گذاری باز است. نظام سیاسی ایالات متحده نه تنها به سیاست‌گذاران فردی، بلکه مهم‌تر از آن به روشنفکران غیر دولتی قدرت می‌دهد تا به دو روش مهم بر سر سیاست‌گذاری رقابت کنند و بر آن تأثیر بگذارند. کارشناسان خارج از چارچوب نهادهای رسمی در موقعیت مناسبی برای ایجاد «تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران سیاست خارجی آمریکا هستند. به‌عنوان مثال، سیستم قانون‌گذاری ایالات متحده به کارشناسان غیر دولتی اجازه می‌دهد تا تخصص فنی خود را برای شهادت‌های کنگره و همچنین کمک به پیش‌نویس لوایح قانونی برای نمایندگان کنگره و سناتورها (به‌ویژه به‌عنوان بخشی از یک گروه لابی) به اشتراک بگذارند. از این نمونه شهادت می‌توان به‌عنوان مثال به مؤسسه بروکینگز اشاره کرد که به اعضای کنگره برای پیش‌نویس قانون بودجه و حسابداری در سال ۱۹۲۱ کمک کرد (Critchlow, 1985). نهادهای قوه مجریه همچنین می‌توانند قراردادهای تحقیقاتی و مشاوره دولتی را به کارشناسان غیر دولتی برون‌سپاری کنند. سپس گزارش‌های حاصل به‌عنوان منابع مهمی برای اطلاع‌رسانی به سیاست‌گذاران عمل می‌کنند. سیستم سیاسی آمریکا فراتر از تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران، به کارشناسان غیر دولتی نیز اجازه می‌دهد تا خودشان سیاست‌گذار شوند. انتصاب کارشناسان اندیشکده‌ها در سازمان‌هایی مانند شورای امنیت ملی، وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، وزارت بازرگانی، خزانه‌داری، دفتر نماینده تجاری ایالات متحده و جامعه اطلاعاتی نشان از به‌کارگیری نخبگان اندیشکده‌ها در سیستم سیاسی آمریکا می‌دهد. در همین راستا، سنت «درهای گردان» واشینگتن، که در آن تحلیلگران بسته به اقبال انتخاباتی حزب سیاسی خود، در داخل و خارج از دولت و روشنفکران می‌چرخند، توانایی این کارشناسان را برای تبدیل شدن به بخشی از فرایند سیاست‌گذاری بیشتر تقویت می‌کند. جابه‌جایی‌های کارمندان و مقامات دولتی میان بخش عمومی و بخش خصوصی یکی از مسائل مهم بسیاری از کشورهاست. واگذاری پروژه، مقررات‌گذاری، نظارت و داوری از مهم‌ترین کارکردهای بخش عمومی (غیر خصوصی) در کشورهای مختلف است. انتقال کارمندان و مدیران این بخش‌ها، به بخش خصوصی می‌تواند موجب ایجاد منافع در بخش خصوصی برای کارمندان شود و زمینه را برای تعارض منافع و ناکارآمدی خدمات ارائه شده در بخش عمومی فراهم کند. این پدیده به‌عنوان درب

گردان تعریف می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۹۵). سال ۲۰۰۷ مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) در گزارشی به نظرات جوزف نای عضو ارشد اندیشکده بلفر و پیشگام آکادمیک برجسته در زمینه «قدرت نرم» و مشاور نزدیک هیلاری کلینتون، کاندیدای وقت ریاست‌جمهوری تأثیر بسزایی در شکل‌دهی سیاست خارجی هیلاری کلینتون پرداخته است.^۱ از دیگر تأثیرات افراد مهم اندیشکده‌ها در سیاست خارجی آمریکا مسئولیت گرفتن سناتور چاک هیگل رئیس اندیشکده شورای آتلانتیک در دولت اوباما به‌عنوان وزیر دفاع می‌باشد. به طور کلی، اندیشکده‌های پیشرو ایالات متحده توسط مقامات ارشد سابق اداره می‌شوند (Sung, 2013). جدول شماره یک رئیس اندیشکده‌ها و بالاترین مسئولیت دولتی این مسئولین را نشان می‌دهد.

جدول شماره یک: رئیس اندیشکده‌ها و بالاترین مسئولیت دولتی این مسئولین

نام اندیشکده	نام مسئول اندیشکده	بالاترین پست مسئولیتی در دولت
بروکینگز	Strobe Talbott	معاون وزیر امور خارجه آمریکا (۱۹۹۴-۲۰۰۱)
بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی	Jessica Mathews	(معاون دموکراسی و جهانی) معاون وزیر امور خارجه امور (۱۹۹۳-۱۹۹۴)
مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی	John J. Hamre	معاون وزیر دفاع ایالات متحده (۱۹۹۷-۲۰۰۰)
شورای روابط خارجی	Richard N. Haas	مدیر برنامه‌ریزی سیاست وزارت امور خارجه ایالات متحده (۲۰۰۱-۲۰۰۳)
رند	Michael D. Rich	سابقه مشاوره‌های سیاستی به بسیاری از مرکزهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در آمریکا
مرکز بین‌المللی وودرو ویلسون برای محققان	Jane Harman	نماینده ایالات متحده در کالیفرنیا (۱۹۹۳-۱۹۹۹، ۲۰۰۱-۲۰۱۱)

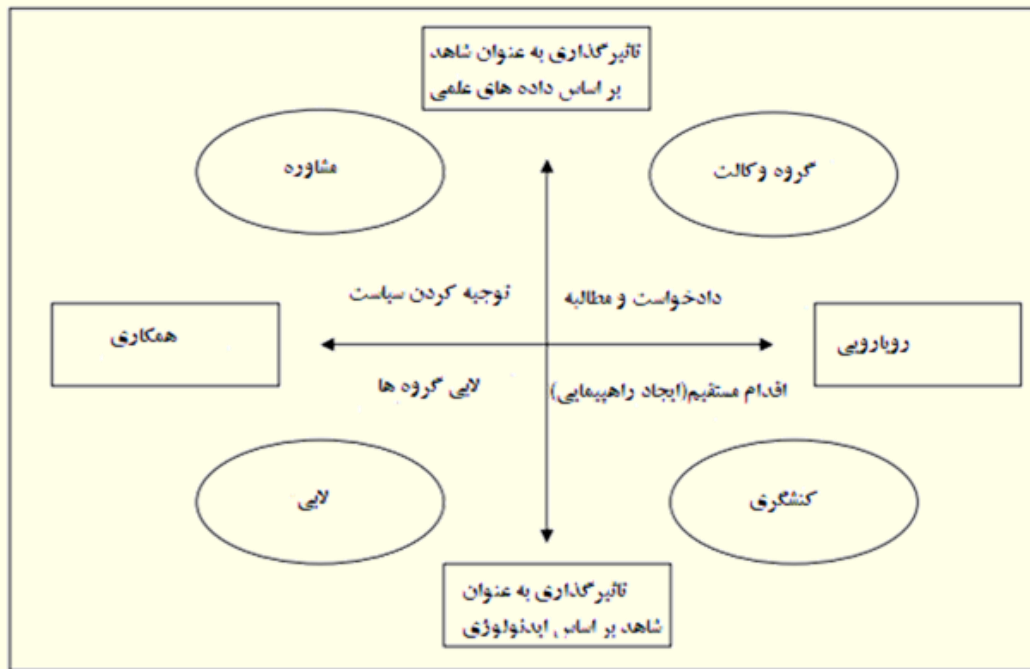
(Sung, 2013)

به دلیل بی‌اعتمادی اکثر سیاست‌گذاران آمریکایی به اعضای دولت ایالات متحده آمریکا و عدم تخصص سیاسی اعضای منتخب کنگره این طیف سیاسی از نظرات اندیشکده‌ها در زمینه تصمیم‌گیری بخصوص در حوزه سیاست خارجی بهره می‌جویند (Abelson, 2019). چهار مورد نفوذ اندیشکده‌ها در سیاست

1 - CSIS Commission on Smart Power, A smarter, more secure America, Center for Strategic and International Studies, accessed 1 April 2013.

خارجی ایالات متحده را می‌توان به: مشاوره، حمایت (گروه وکالت)، لابی و کنشگری تقسیم کرد. جدول شماره دو تاثیرگذاری اندیشکده‌ها در سیاست خارجی ایالات متحده را نشان می‌دهد (Hovland, 2004).

جدول شماره دو: تاثیرگذاری اندیشکده‌ها در سیاست خارجی ایالات متحده



(Hovland, 2004)

طبق شکل بالا اندیشکده‌ها بر اساس شواهد علمی مستخرج کارشناسان خود یا بر اساس ایدئولوژی مشخص خود به دو شکل همکاری یا رویارویی در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تاثیرگذار هستند. در حوزه همکاری اندیشکده‌ها سعی در توجیه خواست سیاست تعیین شده سیاست خارجی نهادهای دولتی چون وزارت امورخارجه در گنگره از طریق شهادت و لابی هستند. در نقطه مقابل اندیشکده‌هایی هستند که مخالف سیاست‌های نهادهای دولتی هستند و خواست خود را از طریق کنشگری در زمینه‌هایی چون ایجاد راهپیمایی، شهادت و توصیه‌های مخالفتی اعلام می‌کنند.

در رابطه با یکی دیگر از اثرات اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی آمریکا می‌توان به تولید اندیشه در زمینه سیاست خارجی اشاره کرد. تولیدات فکری مخازن اندیشه می‌تواند مفاهیم مربوط به منافع ملی را دستخوش تغییر کرده و بر رتبه‌بندی اولویت‌های سیاست خارجی یک کشور تأثیر بگذارد؛ وقایع جنگ جهانی دوم یکی از این برهه‌های تاریخی است. پس از پایان جنگ، شورای روابط خارجی آمریکا مطالعات وسیعی را در زمینه جنگ و صلح آغاز کرد. این مطالعات به دنبال شناسایی بنیان‌ها و بنیادهای

مطلوب صلح پس از جنگ بود. فعالان و مشارکت‌کنندگان در این تلاش در نهایت ۶۸۲ گزارش و یادداشت را برای وزارت خارجه در خصوص سلسله موضوعاتی شامل اشغال آلمان تا تأسیس سازمان ملل تهیه کردند. با این حال گفته می‌شود که اولین موج عمده مخازن اندیشه فعال در حوزه سیاست خارجی در ایالات متحده آمریکا از اوایل دهه ۱۹۰۰ میلادی عمدتاً در نتیجه علاقه روشنفکران و مراکز برجسته بشر دوستانه به ایجاد نهادهایی که محققان و مقامات بخش‌های عمومی و خصوصی برای مذاکره و مناظره در خصوص مسائل جهانی بتوانند در آنها گرد هم آیند، به وجود آمد. به طور خاص سه مؤسسه در دهه‌های اولیه قرن بیست حضور خود را به نمایش گذاشتند. مخازن اندیشه می‌توانند از طریق حمایت و زمینه‌سازی برای انجام گفتگوهای حساس و ایفای نقش میانجی بین طرف‌های درگیر نقش فعال‌تری را در سیاست خارجی بر عهده گیرند. در برخی موارد مراکز پژوهشی با دعوت از گروه‌های درگیر در یک منازعه و ترتیب جلسات مشترک در جهت حل اختلاف میان آنها تلاش می‌کنند. البته لازم به ذکر است که این وظیفه غالباً از سوی اندیشکده‌های معتبر و قدرتمند جهانی به انجام می‌رسد. به‌عنوان مثال مؤسسه آمریکایی صلح به طور غیر رسمی یک چنین وظیفه‌ای را برای مدت زمانی طولانی تحت عنوان مذاکرات تراک دو به انجام رسانده است. این مؤسسه همچنین مقامات آمریکا را برای میانجیگری در منازعات بلند مدت آموزش می‌دهد. اما سایر مخازن اندیشه در آمریکا به‌ویژه انواع سنتی‌تر آنها مسئولیت خود برای مشارکت در فرایند دیپلماسی بازدارنده، مدیریت مناقشه و حل و فصل آن را گسترش داده‌اند (Haass, 2002). از دیگر کارکرد اندیشکده‌ها می‌توان به نقش‌شان از طریق عرضه محصولات فکری خود در سطح جامعه، فرهنگ عمومی شهروندان را نسبت به مسائل سیاست خارجی تقویت می‌کنند، اشاره کرد (سنبل، ۱۳۸۱).

با توجه به تبیین مولفه‌های تاثیرگذار اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، مهم‌ترین مولفه‌های تاثیرگذاری اندیشکده‌ها در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به شرح زیر می‌باشد.

جدول شماره سه: مولفه تاثیرگذاری اندیشکده‌ها در سیاست خارجی آمریکا

تحلیل مضمون	مولفه تاثیرگذاری اندیشکده‌ها در سیاست خارجی آمریکا
تحقیقات و تحلیل‌های اندیشکده‌ها می‌تواند به تصمیم‌گیران سیاسی در درک بهتر از مسائل بین‌المللی و ارائه راهکارهای موثر کمک کند.	تحقیقات و تحلیل‌های دقیق
اندیشکده‌ها با ارائه پیشنهادات سیاستی مبتنی بر تحلیل‌های عمیق و دقیق، می‌توانند به تصمیم‌گیران در اتخاذ تصمیمات خارجی کمک کنند.	ارائه پیشنهادات سیاستی موثر
اندیشکده‌ها با تحلیل‌های خود می‌توانند به فرایند سیاست‌گذاری خارجی کشور تاثیرگذاری کرده و بهبود آن را ایجاد کنند.	تأثیرگذاری در فرایند سیاست‌گذاری
برقراری ارتباط مؤثر و ارائه تحلیل‌های قابل فهم برای تصمیم‌گیران سیاسی، اندیشکده‌ها را قادر می‌سازد تا تأثیرگذاری مثبتی در سیاست خارجی داشته باشند.	ارتباط مؤثر با تصمیم‌گیران سیاسی

تعریف جنگ منطقه خاکستری

منطقه خاکستری نه جنگ تمام‌عیار است و نه صلح کامل. این منطقه، فضایی است بین این دو حالت که در آن رقابت بین کشورها به شکل پنهانی و غیر مستقیم انجام می‌شود. در این نوع منازعات، کشورها سعی می‌کنند بدون اینکه وارد جنگ آشکار شوند، به اهداف خود برسند. به همین دلیل خشونت در این نوع منازعات کم است و بیشتر به صورت پراکنده و محدود دیده می‌شود. این رویکرد عمدی است و هدف آن جلوگیری از تشدید تنش‌ها و بروز یک جنگ تمام‌عیار است. یک ویژگی جالب منطقه خاکستری این است که حتی کشورهایی که از نظر نظامی ضعیف‌تر هستند، می‌توانند قدرت‌های بزرگ‌تر را به چالش بکشند. آنها این کار را با استفاده از روش‌های غیر نظامی و با ایجاد ابهام و سردرگمی انجام می‌دهند. این روش، به پارادوکس ثبات-بی‌ثباتی معروف است (Jordan, 2021: 2).

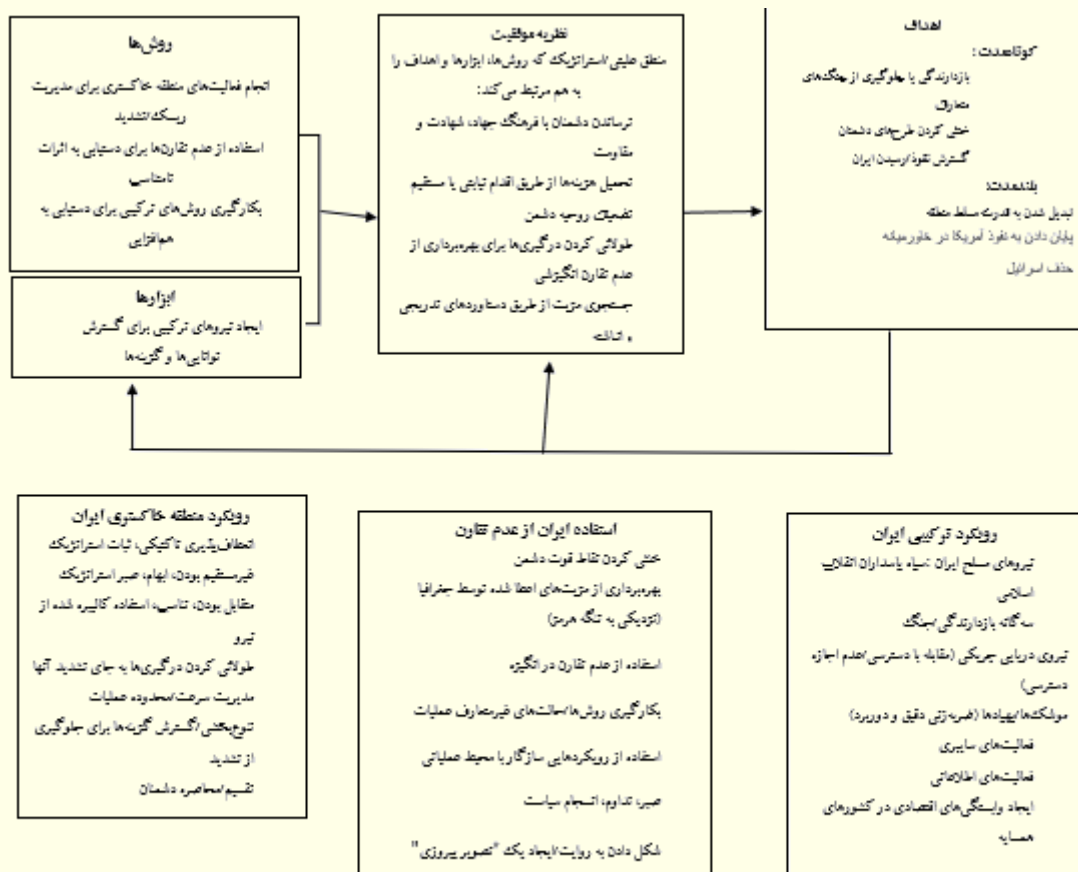
استراتژی منطقه خاکستری جمهوری اسلامی ایران

علت استفاده جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌برداری از استراتژی‌های منطقه خاکستری (Gray Zone) حداقل تا حدی ریشه در تروما و ضربات ناشی از جنگ هشت ساله ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) دارد که هنوز ایرانی‌ها را آزار می‌دهد. از آن زمان، ایران تلاش زیادی کرده تا از جنگ‌های متعارف یا بزرگ دوری کرده یا آنها را باز دارد، زیرا می‌داند که چنین جنگ‌هایی چقدر خونین، هزینه‌بر و طولانی مدت می‌توانند باشند. این نتیجه‌گیری با مشاهده از نزدیک پیروزی سریع و قاطع آمریکا بر ارتش عراق در

کویت (۱۹۹۱) تقویت شد - کاری که ایران نتوانست در هشت سال جنگ طاقت‌فرسا با عراق انجام دهد- و همچنین با مشاهده کمپین‌های نظامی طولانی و دشوار آمریکا در افغانستان (۲۰۰۱-اکنون) و عراق (۲۰۱۱-۲۰۰۳، ۲۰۱۷-۲۰۱۴). بنابراین، بیزاری تهران از نبردهای بزرگ متعارف نه بر اساس یک محاسبه گذرا از منافع، بلکه بخشی عمیق از فرهنگ استراتژیک است که در شیوه جنگ آن منعکس می‌شود. در نتیجه، ایران ترجیح می‌دهد دستور کار ضد وضع موجود خود را از طریق عملیات پنهانی، جنگ نیابتی و عملیات روانی پیش ببرد و دشمنان خود را در درگیری‌های نیابتی دور از مرزهای خود گرفتار کند.^۱ جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده است که برنامه‌هایشان برای تغییر وضعیت موجود در منطقه ممکن است به درگیری با قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده منجر شود. برای جلوگیری از این خطر و حفظ امنیت کشور، تصمیم گرفتند یک استراتژی بازدارندگی قوی اتخاذ کنند. این استراتژی نه تنها از ایران در برابر حملات محافظت می‌کند، بلکه به آنها اجازه می‌دهد تا به اهداف خود در منطقه دست یابند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این استراتژی، فعالیت در «منطقه خاکستری» است، یعنی انجام اقداماتی که نه کاملاً صلح‌آمیز هستند و نه به طور آشکار جنگی (Chubin, 2001: 23). این روش به ایران اجازه می‌دهد تا بدون شروع یک جنگ تمام‌عیار، به اهداف خود نزدیک شود و در عین حال ریسک‌های آن را کاهش دهد. این دو بخش از استراتژی ایران یعنی بازدارندگی و فعالیت در منطقه خاکستری، به هم مرتبط هستند و هر کدام به دیگری قدرت می‌دهد (Samii, 2006: 10). در کل، استراتژی منطقه خاکستری ایران یک رویکرد هوشمندانه برای دستیابی به اهداف ملی است. این استراتژی به ایران اجازه می‌دهد تا در برابر قدرت‌های بزرگ مقاومت کند و در عین حال، نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد. با این حال، این استراتژی نیز ریسک‌هایی به همراه دارد و می‌تواند به تنش‌ها و درگیری‌های طولانی مدت در منطقه منجر شود (Bar, 2004). ایران برای بازدارندگی و جنگ در برابر دشمنان خود، ساختار نیرویی ترکیبی و نامتقارن را ایجاد کرده که ویژگی بارز آن یک «مثلث بازدارندگی/جنگ» است که شامل سه بخش می‌شود: (۱) نیروی دریایی چریکی که قادر است صادرات نفت از خلیج فارس را مختل کند؛ (۲) زرادخانه‌ای از موشک‌ها و پهپادها که قابلیت انجام حملات دقیق دوربرد را دارد؛ و (۳) نیروهای نیابتی خارجی - نیابتی شیعه خود- که قادر به انجام عملیات‌های متعارف و غیر متعارف و حملات تروریستی در سراسر منطقه و فراتر از آن هستند. به

1 - See the Twitter feed of Ali Alfoneh (@Alfoneh), passim

تازگی، ایران ممکن است یک پایه چهارم به این مثلث اضافه کرده باشد: قابلیت‌های سایبری تهاجمی. همچنین، این کشور به روش‌های غیر نظامی (مانند تهدید به خروج از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵) برای تقویت بازدارندگی خود متکی است (Eisenstadt, 2016).



استراتژی منطقه خاکستری ایران

چالش‌های ایالات متحده در مقابله با استراتژی منطقه خاکستری ایران

سیاست ایالات متحده در قبال ایران همواره بر بهره‌برداری از نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی استوار بوده است. از دهه ۱۹۸۰ به بعد، واشینگتن از نفوذ دیپلماتیک خود برای منزوی کردن ایران و محدود کردن توانایی آن در خرید تسلیحات استفاده کرده است. همچنین با استفاده از قدرت اقتصادی خود، تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کرده تا فشارهای مالی بر این کشور وارد کند. علاوه بر این، از تسلط آمریکا در فضای مجازی برای مقابله با تلاش‌های دولت ایران در محدود کردن دسترسی مردم به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی استفاده شده است. با این حال، ایالات متحده در استفاده از قدرت نظامی خود برای مهار یا مجازات ایران به طور مؤثری عمل نکرده است. نمونه‌هایی مانند بمب‌گذاری سال ۱۹۸۳ در پادگان‌های دریایی آمریکا در لبنان، بمب‌گذاری ۱۹۹۶ در برج‌های خوبر در عربستان

سعودی، انتقال تسلیحات به شبه‌نظامیان شیعه که نیروهای آمریکایی را در عراق هدف قرار می‌دادند، یا توطئه ترور سفیر عربستان در سال ۲۰۱۱ در واشینگتن، از جمله مواردی هستند که آمریکا نتوانست به خوبی به آنها پاسخ دهد یا از وقوع آنها جلوگیری کند (Sparshott, 2013). با این حال، تقریباً چهار دهه است که تهران نشان داده که در چارچوب یک سیاست خارجی فعال ضد وضعیت موجود، نسبتاً ریسک‌گریز است. حمله جسورانه ۱۴ سپتامبر ایران به تأسیسات نفتی عربستان سعودی و نقش رو به رشد نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران علیه موضع آمریکا اعتماد به نفس در تصمیم‌گیری ایران را افزایش می‌دهد (Eisenstadt, 2013).

راهکار ایالات متحده برای مقابله با استراتژی منطقه خاکستری ایران

برای تحلیل متن با روش کدگذاری باز (Open Coding) که در رویکرد کوربین و استراوس مورد استفاده قرار می‌گیرد، ابتدا باید متن را به قطعات کوچک تقسیم کرده و به هر قسمت یک کد اولیه اختصاص دهیم. این کدها بر اساس مضمون و محتوای هر بخش از متن تعیین می‌شوند. سپس، با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA یا دستی، کدهای مشابه گروه‌بندی شده و به مفاهیم و مقولات کلی‌تری (Themes or Categories) تبدیل می‌شوند.

در اینجا، بر اساس متن پیشنهادی درباره راهبردهای مقابله با استراتژی منطقه خاکستری ایران که در اندیشکده واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک ارائه شده، فرایند کدگذاری باز را به طور خلاصه ارائه می‌دهیم:

۱. تقویت بازدارندگی (Deterrence Strengthening)

• کدهای اولیه:

- بازدارندگی از طریق انکار
- بازدارندگی از طریق تنبیه
- بازگرداندن اعتبار ایالات متحده

• مفهوم کلی: بازسازی یک سیستم بازدارندگی برای مقابله با اقدامات ایران.

۲. مختل کردن نفوذ منطقه‌ای ایران (Disrupting Regional Influence)

• کدهای اولیه:

- توقف کمک‌های نظامی ایران به نمایندگان
- قطع مسیرهای انتقال تسلیحات

- کاهش نفوذ ایران در عراق و سوریه
- مفهوم کلی: کاهش دسترسی ایران به منابع و شبکه‌های نفوذ منطقه‌ای.
- ۳. تشدید عملیات روانی (Psychological Operations Escalation)
 - کدهای اولیه:
 - جنگ نرم علیه ایران
 - افشای فعالیت‌های ایران در عرصه بین‌المللی
 - استفاده از عملیات مخفی
 - مفهوم کلی: تغییر محیط روانی و عملیاتی از طریق فشار روانی و افشای عمومی.
- ۴. عملیات‌های مشترک با متحدان (Joint Operations with Allies)
 - کدهای اولیه:
 - همکاری با اسرائیل و عربستان سعودی
 - استفاده از متحدان برای فشار منطقه‌ای
 - مفهوم کلی: تقویت همکاری‌ها با متحدان منطقه‌ای برای کنترل نفوذ ایران.
- ۵. جلوگیری از تحرکات اقتصادی ایران (Economic Containment)
 - کدهای اولیه:
 - تحریم‌های اقتصادی شدیدتر
 - قطع دسترسی به زیرساخت‌های اقتصادی
 - مفهوم کلی: محدود کردن توانایی‌های اقتصادی ایران در منطقه و تأمین مالی نمایندگان.
- ۶. تغییر دینامیک درگیری (Shifting Conflict Dynamics)
 - کدهای اولیه:
 - غیر قابل پیش‌بینی بودن در اقدامات
 - استفاده از عملیات نامتقارن
 - مفهوم کلی: تغییر استراتژی‌های نظامی و عملیاتی برای غافلگیری ایران.
- ۷. مقابله با توانایی‌های نظامی ایران (Countering Military Capabilities)
 - کدهای اولیه:
 - مقابله با تهدیدات موشکی

○ جنگ دریایی نامتقارن

- مفهوم کلی: کاهش توانایی‌های نظامی ایران از طریق مقابله با تهدیدات خاص.

مراحل بعدی:

۱. طبقه‌بندی کدها: کدهای مشابه با هم گروه‌بندی شده و مفاهیم کلی‌تر (Themes) از آنها استخراج می‌شوند.
۲. ایجاد مقولات: (Categories) بر اساس تحلیل و ترکیب مفاهیم، مقولات اصلی راهبردی مشخص می‌شود.
۳. تفسیر داده‌ها: در نهایت با تحلیل مقولات اصلی، تفسیر کاملی از استراتژی‌های پیشنهادی و نحوه مقابله با ایران ارائه می‌شود.

جدول شماره چهار: کدهای استخراج شده و فراوانی آنها

فراوانی (F)	نمونه کد (Sample Code)	شماره کد (Code No)
۳	بازدارندگی از طریق انکار	۱
۴	بازدارندگی از طریق تنبیه	۲
۲	بازگرداندن اعتبار ایالات متحده	۳
۲	توقف کمک‌های نظامی ایران به نمایندگان	۴
۲	قطع مسیرهای انتقال تسلیحات	۵
۳	کاهش نفوذ ایران در عراق و سوریه	۶
۳	جنگ نرم علیه ایران	۷
۲	افشای فعالیت‌های ایران در عرصه بین‌المللی	۸
۵	استفاده از عملیات مخفی	۹
۲	همکاری با اسرائیل و عربستان سعودی	۱۰
۳	استفاده از متحدان برای فشار منطقه‌ای	۱۱
۴	تحریم‌های اقتصادی شدیدتر	۱۲
۳	قطع دسترسی به زیرساخت‌های اقتصادی	۱۳
۲	غیر قابل پیش‌بینی بودن در اقدامات	۱۴
۲	استفاده از عملیات نامتقارن	۱۵
۳	مقابله با تهدیدات موشکی	۱۶
۲	جنگ دریایی نامتقارن	۱۷

جدول شماره چهار، کدهای استخراج‌شده و فراوانی آنها را بر اساس محتوای مقاله و یافته‌های تحلیلی نشان می‌دهد که به کمک روش کدگذاری باز انجام شده است. پس از مرحله کدگذاری باز، مرحله کدگذاری محوری (Axial Coding) برای دسته‌بندی کدهای اولیه در قالب مضامین اصلی و فرعی انجام می‌شود. در این مرحله، کدهای مرتبط با یک مضمون کلی گروه‌بندی می‌شوند. جدول شماره پنج نتایج کدگذاری محوری را نشان می‌دهد:

جدول شماره پنج: نتایج کدگذاری محوری

فراوانی (F)	کدهای مرتبط (Related Codes)	مضمون اصلی (Core Theme)
۹	بازدارندگی از طریق انکار، بازدارندگی از طریق تنبیه، بازگرداندن اعتبار ایالات متحده	تقویت بازدارندگی
۷	توقف کمک‌های نظامی ایران به نمایندگان، قطع مسیرهای انتقال تسلیحات، کاهش نفوذ ایران در عراق و سوریه	مختل کردن نفوذ منطقه‌ای ایران
۱۲	جنگ نرم علیه ایران، افشای فعالیت‌های ایران در عرصه بین‌المللی، استفاده از عملیات مخفی، همکاری با اسرائیل و عربستان سعودی	جنگ روانی و عملیات مخفی
۷	تحریم‌های اقتصادی شدیدتر، قطع دسترسی به زیرساخت‌های اقتصادی	مقابله اقتصادی با ایران
۴	غیر قابل پیش‌بینی بودن در اقدامات، استفاده از عملیات نامتقارن	استفاده از تاکتیک‌های نامتقارن
۵	مقابله با تهدیدات موشکی، جنگ دریایی نامتقارن	مقابله با توانایی‌های نظامی ایران

توضیحات کد محوری

۱. تقویت بازدارندگی شامل کدهایی است که به راهبردهای مختلف برای بازدارندگی ایران اشاره دارد، از جمله بازدارندگی از طریق انکار و تنبیه.
۲. مختل کردن نفوذ منطقه‌ای ایران شامل کدهایی است که به محدود کردن نفوذ ایران در منطقه از طریق قطع کمک‌های نظامی و مسیرهای تسلیحاتی اشاره دارد.
۳. جنگ روانی و عملیات مخفی به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها برای تغییر ذهنیت و افکار عمومی و انجام عملیات مخفی برای محدود کردن اقدامات ایران اشاره دارد.
۴. مقابله اقتصادی با ایران شامل استفاده از تحریم‌ها و قطع دسترسی ایران به منابع اقتصادی است.

۵. استفاده از تاکتیک‌های نامتقارن به استفاده از اقدامات غیر منتظره و نامتقارن برای مقابله با ایران اشاره دارد.

۶. مقابله با توانایی‌های نظامی ایران شامل کدهایی است که به مقابله با تهدیدات نظامی ایران مانند موشک‌ها و جنگ دریایی اشاره دارند.

بر اساس دو جدول کدگذاری باز و محوری که ارائه شد، می‌توان تحلیل زیر را برای شناسایی مهم‌ترین و پرکاربردترین راهبرد آمریکا در قبال سیاست منطقه خاکستری ایران ارائه داد.

۱. مهم‌ترین مضمون اصلی: جنگ روانی و عملیات مخفی

• فراوانی ۱۲

• کدهای مرتبط: جنگ نرم علیه ایران، افشای فعالیت‌های ایران، استفاده از عملیات مخفی، همکاری با اسرائیل و عربستان سعودی.

تحلیل: مضمون «جنگ روانی و عملیات مخفی» با بیشترین فراوانی (۱۲) به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد آمریکا در قبال سیاست خاکستری ایران شناسایی می‌شود. این استراتژی شامل استفاده از ابزارهای غیر نظامی مانند جنگ روانی، افشای عمومی نقش ایران در منطقه و عملیات مخفی با استفاده از تاکتیک‌های غیر قابل ردیابی است. همکاری با متحدانی مانند اسرائیل و عربستان سعودی نیز در این بخش برجسته است. این نشان می‌دهد که آمریکا به دنبال ایجاد تغییرات روانی و عملیاتی در جهت محدود کردن نفوذ ایران است بدون اینکه مستقیماً وارد درگیری‌های آشکار شود.

۲. دومین مضمون مهم: تقویت بازدارندگی

• فراوانی ۹

• کدهای مرتبط: بازدارندگی از طریق انکار، بازدارندگی از طریق تنبیه، بازگرداندن اعتبار ایالات متحده.

تحلیل: استراتژی دوم مهم، تقویت بازدارندگی با فراوانی ۹ است. این راهبرد با تمرکز بر جلوگیری از اقدامات ایران از طریق ایجاد یک محیط بازدارنده، استفاده از تهدیدات و تنبیهات است. آمریکا به دنبال افزایش اعتبار خود و ایجاد هراسی در ایران است تا از اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران جلوگیری کند. این استراتژی نشان می‌دهد که آمریکا همچنان به بازدارندگی سنتی و فشار مستقیم بر ایران برای محدود کردن آزادی عمل آن متکی است.

۳. مختل کردن نفوذ منطقه‌ای ایران

- فراوانی ۷

- کدهای مرتبط: توقف کمک‌های نظامی ایران، قطع مسیرهای انتقال تسلیحات، کاهش نفوذ ایران در عراق و سوریه.

تحلیل: این مضمون با فراوانی ۷ نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای محدود کردن توانایی ایران در تأمین مالی و تجهیز نیروهای نیابتی و کاهش نفوذ منطقه‌ای آن است. مختل کردن مسیرهای انتقال تسلیحات و کاهش نفوذ ایران در کشورهایی مانند عراق و سوریه از طریق دیپلماسی و اقدامات نظامی محدود، از راهبردهای اصلی آمریکا به شمار می‌آید.

- ۴. مقابله اقتصادی با ایران

- فراوانی ۷

- کدهای مرتبط: تحریم‌های اقتصادی شدیدتر، قطع دسترسی به زیرساخت‌های اقتصادی.

تحلیل: این مضمون نشان می‌دهد که تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی همچنان از مهم‌ترین ابزارهای آمریکا برای مقابله با ایران هستند. این اقدامات به منظور تضعیف اقتصاد ایران و کاهش توانایی‌های مالی آن برای حمایت از نیروهای نیابتی در منطقه استفاده می‌شوند. این رویکرد نشان می‌دهد که آمریکا به دنبال استفاده از ابزارهای اقتصادی برای محدود کردن نفوذ ایران است.

برای ایجاد نمودار ارتباطی گرافی که ارتباط بین کدهای استخراج شده را نشان دهد، مراحل زیر در نرم‌افزار MAXQDA انجام می‌شود:

۱. وارد کردن کدها در MAXQDA

- ابتدا کدهای استخراج شده در MAXQDA وارد می‌شوند. هر کد به‌عنوان یک واحد جداگانه ثبت می‌شود و تمام متون مرتبط با هر کد به آن متصل می‌شود.

۲. ایجاد ارتباط بین کدها:

- در مرحله بعد، ارتباطات بین کدها از طریق ابزار Code Relations Browser در MAXQDA تجزیه و تحلیل می‌شود. این ابزار به شما امکان می‌دهد تا ببینید کدام کدها بیشتر با هم تکرار شده‌اند و ارتباط دارند. به این ترتیب، کدهایی که با یکدیگر هم‌پوشانی دارند (مانند «بازدارندگی از طریق تنبیه» و «بازدارندگی از طریق انکار») در یک شبکه گرافی نمایش داده می‌شوند.

۳. تولید گراف ارتباطی:

- پس از ثبت ارتباطات، می‌توان یک نمودار گرافی (Network Graph) ایجاد کرد. این نمودار نشان می‌دهد که کدهای مشابه یا مرتبط چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند. کدهای باز (از جدول اول) و کدهای محوری (از جدول دوم) به صورت نودهای (گره‌ها) اصلی و فرعی در این شبکه نمایش داده می‌شوند.

۴. استفاده از MAXQDA برای تجسم نمودار:

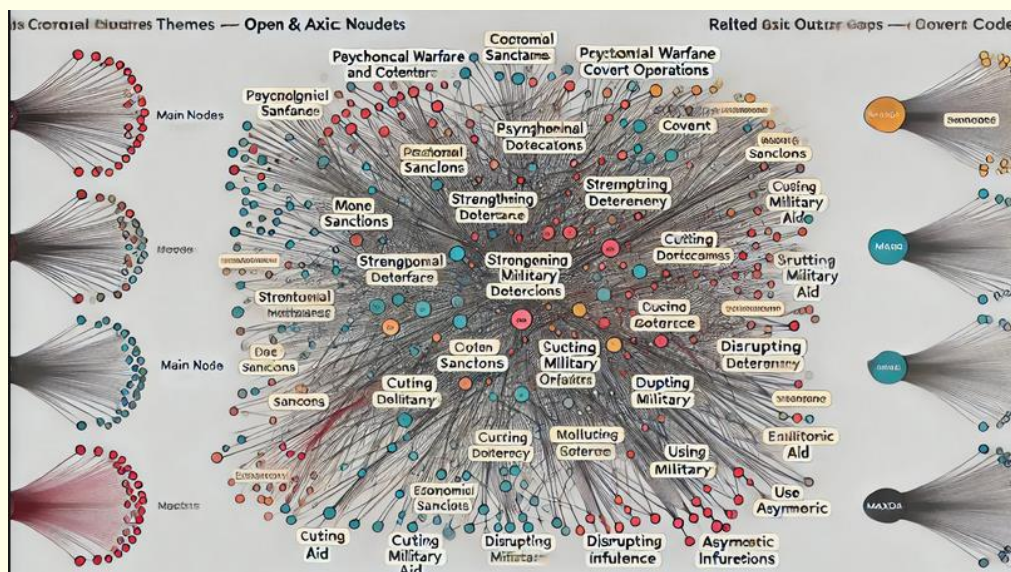
- از بخش Visual Tools در MAXQDA برای ایجاد نمودار ارتباطی استفاده می‌شود. هر گره (نود) در نمودار نمایانگر یک کد است و خطوط بین گره‌ها نشان‌دهنده ارتباطات بین کدها هستند.

نمودار شبکه‌ای ایجاد شده از MAXQDA به شکل زیر است:

- گره‌های اصلی: مضمون‌های محوری مانند «جنگ روانی و عملیات مخفی»، «تقویت بازدارندگی»، «مختل کردن نفوذ منطقه‌ای».
- گره‌های فرعی: کدهای مرتبط با هر مضمون اصلی.
- خطوط ارتباطی: ارتباط بین کدهای باز و محوری، به‌ویژه جایی که کدها هم‌پوشانی دارند یا به هم مرتبط هستند.

شرح گراف:

- در این گراف، کدهای باز که فراوانی بیشتری دارند (مانند استفاده از عملیات مخفی، بازدارندگی از طریق تنبیه) بیشتر به گره‌های اصلی متصل شده‌اند.



کدهای کمتر فراوان (مانند همکاری با اسرائیل و عربستان سعودی) به‌عنوان گره‌های فرعی دیده می‌شوند.

راهبردها بر اساس نظریه تصمیم‌گیری عقلایی

برای تحلیل گزارش اندیشکده واشینگتن در مورد سیاست‌های ایالات متحده در مقابله با استراتژی منطقه خاکستری ایران، می‌توان از چارچوب نظری تصمیم‌گیری عقلایی استفاده کرد. نظریه انتخاب عقلایی به دولت‌ها به‌عنوان بازیگرانی نگاه می‌کند که با محاسبه دقیق هزینه‌ها و فواید، در جهت بیشینه‌سازی منافع خود عمل می‌کنند. این چارچوب شامل ارزیابی هزینه‌های مختلف (مانند هزینه‌های مالی، زمانی، سیاسی و اجتماعی) و فواید تصمیم‌ها می‌باشد. اکنون تحلیل گزارش را بر اساس این چارچوب ارائه می‌دهیم.

۱. تعریف هزینه‌ها و فواید: گزارش اندیشکده واشینگتن به وضوح هزینه‌ها و فواید استراتژی‌های ایالات متحده در مقابله با ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. هزینه‌های مالی و زمانی برای اجرای استراتژی‌های پیشنهاد شده، مانند «بازدارندگی از طریق تنبیه» و عملیات مخفی علیه ایران، یکی از مؤلفه‌های کلیدی است. همچنین، این گزارش بر فواید بلند مدت مثل «تقویت بازدارندگی» و «مختل کردن نفوذ منطقه‌ای ایران» تأکید دارد، که بهبود امنیت ملی ایالات متحده و هم‌پیمانانش و کاهش تهدیدات ایران را در پی دارد. این بخش از گزارش به وضوح با اصل محوری نظریه عقلایی تطابق دارد که تصمیم‌گیرنده تلاش می‌کند فواید را بر هزینه‌ها برتری دهد.

۲. تحلیل هزینه و فایده: گزارش اندیشکده واشینگتن از تحلیل دقیق هزینه‌ها و فواید برای تصمیمات مختلف بهره می‌برد. به‌عنوان مثال، برای بازدارندگی از طریق تنبیه، هزینه‌های احتمالی شامل پیچیدگی‌های سیاسی و دیپلماتیک و ریسک واکنش‌های ایران است. با این حال، فواید این استراتژی شامل مهار نفوذ منطقه‌ای و کاهش تهدیدات علیه منافع ایالات متحده است؛ به‌ویژه، اشاره به استفاده از اقدامات غیر قابل پیش‌بینی برای تغییر محاسبات ایران و تحمیل هزینه‌های نامتناسب، دقیقاً با روش تحلیل عقلایی هزینه-فایده همخوانی دارد.

۳. مقایسه هزینه‌ها و فواید: گزارش واشینگتن مکرراً به مقایسه هزینه‌های اجرای استراتژی‌ها با فواید احتمالی آنها می‌پردازد. برای مثال، عملیات‌های مخفی و سایبری علیه ایران، اگرچه ممکن است هزینه‌های مالی و سیاسی به همراه داشته باشد، اما فواید آن شامل مختل کردن

برنامه‌های نظامی ایران و کاهش توانایی‌های آن در منطقه است. این تحلیل هزینه-فایده به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا از اقدامات متناسب و قابل تحمل بهره ببرند، که این مفهوم نیز از اصول کلیدی نظریه عقلایی است.

۴. پذیرش هزینه‌ها بر اساس فواید: در برخی قسمت‌ها، گزارش نشان می‌دهد که ایالات متحده باید هزینه‌های خاصی را بپذیرد تا فواید بیشتری در آینده کسب کند. برای مثال، سرمایه‌گذاری‌های اولیه در بازدارندگی و عملیات‌های پنهانی ممکن است به افزایش امنیت در بلند مدت و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران منجر شود. این منطق با چارچوب عقلایی همسو است که می‌گوید هزینه‌ها وقتی توجیه‌پذیر هستند که فواید بلند مدت از آنها بیشتر باشد. در مجموع، گزارش اندیشکده واشینگتن از چارچوب نظری تصمیم‌گیری عقلایی استفاده می‌کند، زیرا به طور مداوم بر محاسبه دقیق هزینه‌ها و فواید و تلاش برای بیشینه‌سازی منافع تأکید دارد.

نتیجه

اندیشکده‌ها به جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به تحولات بین‌المللی و سیاست‌های خارجی می‌پردازند. این نهادها با انجام پژوهش‌های عمیق و جامع، به شناسایی روندها، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در عرصه جهانی کمک می‌کنند. اندیشکده‌ها به‌عنوان مشاوران مستقل، می‌توانند به تصمیم‌گیران سیاسی مشاوره دهند و بر فرایندهای تصمیم‌گیری تأثیرگذار باشند. بسیاری از سیاست‌گذاران به مقالات، گزارش‌ها و تحلیل‌های این نهادها مراجعه می‌کنند تا اطلاعات و دیدگاه‌های جدیدی در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی به دست آورند. اندیشکده واشینگتن یکی از معتبرترین نهادهای پژوهشی در زمینه سیاست‌های خاورمیانه و خاور نزدیک است. این اندیشکده با ارائه تحلیل‌های عمیق و پیشنهادت سیاستی به طور مستقیم بر سیاست خارجی ایالات متحده تأثیرگذار بوده است. این نهاد با تجزیه و تحلیل روندهای سیاسی و نظامی ایران، به دولت ایالات متحده کمک کرده تا تصمیمات آگاهانه‌تری در مورد تحریم‌ها و دیپلماسی اتخاذ کند. برای مثال، تحلیل‌های این اندیشکده در مورد فعالیت‌های نظامی ایران در منطقه، به سیاست‌گذاران کمک کرده تا با توجه به تهدیدهای امنیتی، استراتژی‌های دفاعی مؤثری را تدوین کنند. بر اساس اهمیت این اندیشکده برای سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا این پژوهش به یکی از موضوعات مهم در زمینه سیاست جمهوری اسلامی ایران یعنی سیاست منطقه خاکستری پرداخته است. جمهوری اسلامی ایران با این استراتژی به دنبال این امکان است تا نفوذ خود را در منطقه افزایش داده و فشارهای خارجی، به‌ویژه از سوی ایالات متحده

را مدیریت کند. بر همین اساس این اندیشکده بر اساس تصمیم‌گیری عقلایی پیشنهاداتی به سیستم خارجه ایالات متحده پیشنهاد داده است. بر اساس روش پژوهش تحلیل مضمون این راهبردها نتایج زیر به دست آمده است که از بررسی فراوانی کدها و تحلیل مضامین اصلی می‌توان نتیجه گرفت که «جنگ روانی و عملیات مخفی» به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد آمریکا در قبال سیاست خاکستری ایران شناسایی می‌شود. این راهبرد شامل اقدامات غیر نظامی و روانی برای تغییر محیط عملیاتی ایران و متحدان آن است و نقش محوری در مقابله با نفوذ ایران ایفا می‌کند. تقویت بازدارندگی نیز به‌عنوان یک راهبرد حیاتی مکمل جنگ روانی، به منظور محدود کردن آزادی عمل ایران از طریق تهدیدها و تنبیه‌ها به کار گرفته می‌شود. این ترکیب از ابزارهای روانی، مخفی و بازدارنده نشان می‌دهد که آمریکا به دنبال یک استراتژی چند بعدی برای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران است.

فهرست منابع

منابع غیر فارسی

- 1- Jordan, J. (2021). International competition below the threshold of war: Toward a theory of gray zone conflict. *Journal of Strategic Security*, 14(1), 1-24. <https://doi.org/10.5038/1944-0472.14.1.1836>
- 2- Michael Breen and Joshua A. Geltzer, "Asymmetric Strategies as Strategies of the Strong," *Parameters* (Spring 2011), 41-55
- 3- Byman, D., Chubin, S., Ehteshami, A., & Green, J. D. (2001). *Iran's security policy in the post-revolutionary era* (pp. 21-29). Santa Monica, CA: RAND Corporation.
- 4- Lim, K. (2015). National security decision-making in Iran. *Comparative Strategy*, 34(2), 149-168.
- 5- Samii, A. W. (2006). The Iranian nuclear issue and informal networks. *Naval War College Review*, 59(1), 1-27.
- 6- Bar, S. (2004). *Iranian defense doctrine and decision making*. IDC Herzliya Institute for Policy and Strategy.
- 7- Eisenstadt, M. (2016). *The role of missiles in Iran's military strategy* (Research Note 39). Washington Institute. <https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/ResearchNote39-Eisenstadt.pdf>
- 8- Eisenstadt, M. (2013). *Not by sanctions alone: Using military and other means to bolster nuclear diplomacy with Iran* (Strategic Report No. 13). Washington Institute for Near East Policy. Retrieved from http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/StrategicReport13_Eisenstadt2.pdf
- 9- Chubin, S. (2001). *Iran's security policy in the post-revolutionary era*. RAND Corporation.
- 10- Eisenstadt, M. (2016). *The role of missiles in Iran's military strategy* (Research Note 39). Washington Institute.

- 11- Jordan, J. (2021). International competition below the threshold of war: Toward a theory of gray zone conflict. *Journal of Strategic Security*, 14(1), 1-24. <https://doi.org/10.5038/1944-0472.14.1.1836>
- 12- Lim, K. (2015). National security decision-making in Iran. *Comparative Strategy*, 34(2), 149-168.
- 13- Pompeo, M. R. (2018). After the deal: A new Iran strategy. U.S. Department of State.
- 14- Critchlow, D. T. (1985) The Brookings Institution, 1916-52: Expertise and the Public Interest in a Democratic Society. Dekalb, Il: Northern Illinois University Pres.
- 15- Hovland, Ingie (2004), Tools for Policy Impact: A Handbook for Researchers, Research and Policy in Development Programme.
- 16- Abelson, Donald E. (2005) Do Think Tanks Matter? Assessing the Impact of Public Policy Institute.
- 17- Richard N. Haass (2002), "Think Tanks and U.S. Foreign Policy: A Policy – Maker's Perspective", U.S. Foreign Policy agenda, (Volume 7, Number 3, November 2002), P. 6.
- 18- Nissenbaum, D., & Sparshott, J. (2013, May 30). U.S. eases tech exports to help Iranian dissenters. *The Wall Street Journal*.
<http://www.wsj.com/articles/SB10001424127887324412604578515553175176068>
- 19- Pompeo, M. R. (2018, May 21). After the deal: A new Iran strategy. U.S. Department of State. <https://www.state.gov/after-the-deal-a-new-iran-strategy/>
- 20- Wagtendonk, A. V. (2019, June 23). Trump called off a military strike against Iran. The U.S. targeted its computer systems instead. *Vox*. <https://www.vox.com/2019/6/23/18714327/iran-us-donald-trump-cyberattack-drone-strike>
- 21- Pompeo, M. R. (2019, August 6). Trump administration pressure is weakening Iran's regime. *USA Today*. <https://eu.usatoday.com/story/opinion/2019/08/06/trump-administration-pressure-weakening-iran-michaelpompeo-editorials-debates/1938504001/>